

دیانت داده

وقتی تو را از دست دادم

فونیکس نیوزز - فونیکس نیوزز

مترجم: محبوبه مسلمیزاده

«فقدان مهم‌ترین شخص زندگی خود را تصور کن!»

Catie، کتبے ای

ISBN: 978-000-252-199-5

لر چشتهت نیز لک . پیشان ب همچه رود لک از عموی خود که این را روشتر چویه . تسبیح ملک چشمته روحچه باشد
ستجه های از این روشته ملکه های محلیه را جایگزین نموده اند . این روشته علمه های از این روشته ملکه های
ملکه های از این روشته ملکه های از این روشته

فصل اول

مولیٰ ۲۰۱۵ - جولائی

دریافتہام کہ میتوان کسی را با تمام وجود دوست داشت و هم زمان با تمام اشتیاق،
همان قدر از او بیزار بود۔ این عواطف به نوعی یکدیگر را متعادل می سازد، در عین
این که احساس خستگی از خلاً به جا می گذارد۔ ده روز است که کنار این تخت
بیمارستان نشسته و به شوهرم خیره شده ام در این حیرت مکرر که ما، نه /و، چگونه به
این جا رسیدیم؟ به این بخش آی سی یو و در چنین حالی هولناک و تقریباً اجتناب ناپذیر.
نه! شگفتی من در/ین موقعیت کنونی ابهام نسبت به مرد روی تخت است. لئو عشق
زندگی من بود و هست و تا آخر عمر او را دوست خواهم داشت. هنوز ناممکن به نظر
می رسد که بتوانم سخت از او بیزار باشم؛ با این حال این جا هستیم.

لئو در کُما، با وجود ریش نامرتب و تکه باندی که از پانسمان جراحتش باقیمانده، هنوز هم خوش قیافه است. او رنگ پریده و بی‌هوش، اما همچنان مخوف است. او مخوف است. لئو همیشه با جسم و زندگی اش به گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار بیش از یک قربانی برای کارش نبود. بدنش در زیر لباس و ملافه‌ی بیمارستان پر از آثار زخم است – اثر زخم‌هایی از همین فاجعه‌ی اخیر و نشانه‌های محو بازمانده از حوادث پیشین.

شوهرم به طریقی مردم را با خود به سیاحت می‌کشاند، حتی وقتی در ظاهر اصلاً سفری در کار نباشد. از روز تصادف‌خودم مثل یک مرده‌ی متحرک شده‌ام. فقط